

# سید جمال الدین

## دنیای اسلام و غرب

### مقدمه

سید جمال الدین اسدآبادی از روشنفکران قرن نوزدهم است که در سال ۱۸۳۹ در اسدآباد همدان دیده به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی خود را در ایران و پس از آن در عتبات عالیات گذراند و در زمره‌ی فرهیختگان دوران خود گشت. اندیشه‌های وی متأثر از اندیشه‌های دینی مخصوصاً شیعی و فلسفی آن زمان بوده است. هر چند که برخی از افکارش به بی‌دینی تعبیر گشته ولی خط فکری او اساساً مبنای دینی داشته است و به عنوان مدافع اسلام و مسلمانان چهره نمود. البته از آنجا که جهان اسلام در آن روز با تهاجمات غربیان چه از نظر نظامی و چه از نظر فرهنگی رو به رو بوده است، بزرگ‌ترین چالش روشنفکران آن زمان رویارویی با غرب بوده است که در این بین عده‌ای به جبهه هواداران تمدن غربی پیوستند و در مقابل عده‌ای بر ضد هر آنچه غرب به ارمغان آورده بود موضع گرفتند، آنچه سید جمال را متمایز از این دو گروه کرد، موضع‌گیری عالمانه‌تر وی نسبت به غرب بوده است. او یکسره تمدن غربی را محکوم و یا قبول نکرد بلکه از سویی تقلید معقول و درست از تمدن غربی را به عنوان راهکاری برای پیشرفت جوامع اسلامی و رهایی آنان از زیر یوغ جامعه غربی و از سوی دیگر با اندیشه اتحاد اسلام بازگشت به متن اصیل اسلامی را توصیه کرد.

از آنجا که دغدغه خاطر این اندیشمند نه تنها مسائل ایران بلکه جهان اسلام بوده است او را نه فقط یک روشنفکر ایرانی بلکه روشنفکر اسلامی باید دانست که به تمام دنیای اسلام تعلق داشت و مطالعه احوال و افکار وی نه تنها اندیشه‌های وی را معرفی و بازشناسایی می‌کند بلکه مهم‌تر از آن سیر تحول فکری اندیشمندان اسلامی و مواجهه‌ی آنان را با جوامع غیرمسلمان نشان می‌دهد. کتاب سید جمال الدین و اندیشه‌های او از مرتضی مدرس چهاردهی نیز داعیه‌ی بررسی افکار سید جمال را دارد و تلاش نموده است که گوشه‌هایی از زندگی و افکار سید جمال را در لابه‌لای متون و نوشته‌های او و همچنین نویسندگانی که در این مورد قلم‌فرسایی کرده‌اند، روشن نماید. آنچه در ذیل خواهد آمد چکیده و نقد کوتاهی بر این کتاب است.

کتاب دارای ۶۹ عنوان است البته عنوان‌های کتاب بدون هماهنگی و تا حدود زیادی مغشوش است و به عبارتی نویسنده فصل‌بندی و تقسیم‌بندی منظمی را مورد نظر قرار نداده و از این جهت مطالعه کتاب را دشوار نموده است و بر همین اساس نیز خلاصه و نقد آن کار چندان آسانی

لیلا انصاری  
کارشناس ارشد تاریخ



○ سید جمال الدین و اندیشه‌های او

○ مرتضی مدرس چهاردهی

○ انتشارات امیرکبیر

○ ۱۳۸۱۰ (چاپ هفتم)، ۵۷۲ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه

**نویسنده کتاب افسوس می خورد  
که اگر سید جمال و سید احمد هندی  
نسبت به هم بدبین نمی شدند،  
می توانستند از جمع عقاید خود برای جامعه اسلامی  
سودمندتر باشند**



**به عقیده‌ی سید جمال،  
مسلمانان باید تعصبات نژادی را کنار گذاشته  
و فقط تعصب دینی داشته باشند  
چرا که قدرت اسلام ناشی از تعصبات اعتقادی است**

عنوان «سفر سید به روسیه» از نوشته‌های سید حسین عدالت از عناوین دیگر کتاب است که در مورد دوستی سید با یکی از روزنامه‌نگاران روسی به نام «کات کوف» ملاقات سید با امپراتور و ملکه‌ی روسیه و بالاخره بازگشت سید از روسیه به دلیل مقاله‌ای که وی در مورد زیان آزادی‌کشتیرانی در رودخانه کارون توسط انگلیسی‌ها نوشته بوده مطالبی را ذکر می‌کند. «یک مجاهد بزرگ سید جمال‌الدین افغانی» عنوان مقاله‌ای است که در جریده‌ی وطن در سال ۱۹۲۴ به طبع رسید و نویسنده کتاب آن را به فارسی برگردانده و در کتاب نقل کرده است. در کتاب همچنین بخشی از اسناد و مدارک وزارت خارجه‌ی انگلستان درباره‌ی سید جمال آمده است که البته این اسناد برگرفته از اسنادی است که علی مشیری در مجله «خواند نیما» منتشر ساخته بود.

دو مقاله نیز از سید حسن تقی‌زاده در کتاب آمده که مقاله اول در مورد ایرانی بودن سید و مختصری از احوال سید جمال و نقش وی در جهان اسلام است. این مقاله در مجله کاوه در سال ۱۳۲۹ ه. ق. به چاپ رسید. مقاله‌ی دوم سید حسن

نمی‌نماید. برای سهولت مطالعه‌ی کتاب، بهتر آن دیدیم که کتاب را به سه بخش اصلی تقسیم کنیم و این تقسیم‌بندی نیز بر این مناسبت که بخشی از مطالب به قلم نویسندگانی است که آقای مدرسی چهاردهی نوشته‌های آنها را اقتباس و یا اینکه عین آن را آورده است. بخش دیگر به قلم خود نویسنده است و بخش دیگر نوشته‌های سید جمال‌الدین است که عیناً در کتاب آمده است. در ابتدا نگاه اجمالی خواهیم انداخت به آنچه که به قلم نویسندگان در کتاب آمده است.

عنوان آغازین کتاب تحت عنوان «زندگی و فلسفه» اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی» نقدی است از آقای عتیق‌الله معروف مدیر مجله آریانا و انجمن تاریخ افغانستان که سراسر تعریف و تمجید از کتاب است به دلیل آیین نگارش، شیوه‌ی تحقیق، ربط و ضبط اسناد، بیان حقایق و عدم جانبداری نویسنده و...

«پاسخی اسلامی به امپریالیسم» عنوان نقدی است بر کتاب نوشته‌های سیاسی و دینی سید جمال‌الدین افغانی نوشته‌ی نیکی. آر. کدی که در این مجمل به بیان زندگی و اندیشه‌های سید پرداخته و نویسنده مقاله در آخر با ذکر اینکه مؤلف این کتاب یعنی خانم کدی از نوشته‌های مرتضی مدرسی چهاردهی استفاده‌های زیادی کرده است مقاله را به پایان می‌رساند و شاید تنها دلیل آوردن این مقاله در کتاب ذکر همین عبارت پایانی مقاله باشد!

در کتاب پس از این دو نقد، احوال سید جمال را به روایت میرزا لطف‌الله اسدآبادی که از بستگان سیدجمال بوده آورده است که اشاره‌ای است به نبوغ و استعداد ذاتی سید جمال و مباحثی که در ایام کودکی ذهن سیدجمال را به خود مشغول ساخته بود.

این بخش با شرح سفرهای سید به نجف برای تحصیل علوم در خدمت شیخ مرتضی و سپس سفر به بمبئی ادامه می‌یابد و آنچه در ضمن این سفرها آمده شرح مجذوب شدن افرادی چون مجتهد بوشهری، شرح حال میرزا باقرخان بواناتی که در آن زمان دعوی یوحنایی داشته و به دست سید ارشاد گردید و همچنین حیران شدن میرزا بابای شیرازی و سرسلسله‌ی ذهبیه و تسلیم شدن دزدان ترکمن که تحت تأثیر کمالات سید همه‌ی اموال مسروقه را مسترد کردند و بالاخره این بخش با سفرهای سید جمال به مکه، مصر و استانبول و برگشت دوباره‌ی سید به مصر خاتمه می‌یابد.

نویسنده همچنین روایتی از کتب خاطرات به قلم افرادی چون حاج سیاح اعتمادالسلطنه، امین‌الدوله و... آورده است. از کتاب خاطرات حاج سیاح به دو سفر سید جمال‌الدین به ایران اشاره شده که در سفر اول حاج سیاح به توجه سید جمال به آثار تاریخی اصفهان و عتایی که در مورد خرابی آن به دست ظل‌السلطان صورت گرفته بود، اشاره می‌کند و در مورد سفر دوم وی به ایران در مورد میرزا رضای کرمانی که از مدیران سید جمال معرفی شده و تأثیر راندن سید از ایران سخن به میان آمده است.

سپس بخشی از خاطرات اعتمادالسلطنه در مورد سید جمال آمده که بیشتر در مورد فعالیت‌های سیاسی سید جمال در ایران مخصوصاً در مورد تحریم تنباکو است. پس از آن نوبت به خاطرات امین‌الدوله می‌رسد که او نیز از سفر سید جمال به ایران و شرح ملاقات خود با وی گفته است.

به دنبال آن خاطرات اسلامبول از حسین دانش آورده شده است که او برخلاف خاطرنویسان قبلی بیشتر به ظاهر و اخلاقیات سید از جمله ترک دنیا و هوس‌ها، روزه گرفتن سید، قدرت بیان و قلم، زیارت سید در اسلامبول و...

## به اعتقاد سید جمال

هر ملتی به تناسب دانایی و شعور خود  
به برابری و حکومت دموکراسی دست خواهد یافت  
و تا زمانی که ملت در نادانی و جهالت باشد،  
حکومت فردی تداوم خواهد یافت



## در بخش‌هایی از کتاب،

ضمن اشاره به علاقه‌ی وافر مردم هند به سید جمال  
و ترس دولت هند از انقلاب  
به بررسی تأثیر سید بر اقبال لاهوری و محمدعلی جناح  
می‌پردازد

وی و یا حتی نوشته‌های کوتاهی در چند سطر که اندیشمندانی چون جواهر لعل نهرو نگاشته‌اند، آمده است که به دلیل پراکندگی موضوع آنها و همچنین رعایت اختصار در کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود ولی این نوشته‌ها را در جای جای کتاب می‌توان یافت.

بخش‌هایی از کتاب نیز به قلم خود نویسنده است که در تقسیم‌بندی نگارنده بخش سوم کتاب محسوب می‌شود و از آنجا که کتاب ظاهراً تألیفی است این بخش باید مهم‌تر باشد. اولین عنوان آن «سیدجمال‌الدین مشاور امیر افغانستان» به همکاری سید جمال‌الدین با امیر دوست محمدخان حاکم افغانستان و وزیرش محمد رفیق‌خان، مشارکت وی در جنگ‌های داخلی افغانستان و برگزیده شدن وی به عنوان مشاور اول امیر افغانستان اشاره می‌کند و با این سؤال که اگر سید از افغانستان به ایران می‌آمد چه می‌شد ادامه می‌یابد و از این امر افسوس می‌خورد که اگر سید جمال منع نشده بود که از راه ایران به سوی خانه‌ی خدا برود چه بسا به کمک امیر محمد اعظم‌خان که در آن زمان در نیشابور بود و همراهی بربریان که به واسطه شیعه بودن از سید حمایت می‌کردند، می‌توانستند تاریخ افغانستان را دگرگون سازند، و با بیان رساله‌ی سید در مورد اوضاع و احوال تاریخی - جغرافیایی و سیاسی افغانستان خاتمه می‌یابد.

شرح سفر سید به هند با عنوان «سید به سیمای یک سیاح در هند» دنبال می‌شود که شرح اشتیاق مردم آن سامان به سیدجمال و ترس دولت هند از انقلاب و راندن وی از آنجا است. پس از آن به تأثیر سید جمال‌الدین بر اقبال لاهوری شاعر و محمدعلی جناح پیشوای مسلمانان هند و مؤسس دولت پاکستان می‌پردازد. نویسنده به ذکر نمونه‌هایی از اشعار اقبال لاهوری که متأثر از عقاید سید جمال است، می‌پردازد. از آن جمله «شعار برگشت به اسلام»، «سیاست ضد اسلام دول اسلامی» و همچنین بیان شعرگون سخنان سید به ملت روسیه که سید آنان را به اومر و نواهی قرآن دعوت می‌کند و بهترین راه حفظ مساوات را تبعیت از احکام قرآن دانسته است.

بعد از ذکر این مجمل، نویسنده باز به سفرهای سید جمال و این بار به سفر وی به استانبول می‌پردازد و در ضمن آن به مخالفت‌های حسن فهمی شیخ‌الاسلام و متصدی اوقاف استانبول با اقدامات سید و همچنین نظرات سید اشاره می‌کند. او معتقد بوده است که سید نبوت را هنر دانسته است و لذا حکم به تکفیر سید می‌دهد و به ناچار سید رخت سفر از استانبول برپسته و به مصر عزیمت می‌کند. ولی آنچه در این بخش نیامده است نظریه سید جمال‌الدین اسدآبادی است که خلایق برای خواننده ایجاد می‌کند و سؤالاتی که بی‌پاسخ می‌ماند.

آنچه در ضمن سفر سید به مصر پیش آمد و اقدامات وی در مورد تشکیل لژیون فراموشخانه در مصر و فراماسونری بودن سید جمال در بخش بعدی کتاب بررسی می‌شود. به نظر نویسنده آنچه سید را به این جمع کشاند عشق به آزادی، مساوات و برادری بوده است و پس از مدتی بنا به مقتضیات زمانه «انجمن وطنی» را که به تعبیر نویسنده یک لژ فراماسونری بوده است تأسیس کرد و شعبه‌هایی برای نظارت جهاد، نظارت در امور دادگستری، و در امور وزارت دارایی و مصالح عمومی و بهداشتی تشکیل داد.

همچنین به موضع‌گیری سیدجمال در مورد قانون انتخابات مجلس شورای ملی و پیش‌بینی‌های سیاسی سید اشاره می‌کند. نتیجه‌ی انتقادات و اقدامات سید تبعید او بود و این بار عازم هند گردید و آنچه در پایان این بخش آمده مطالب مهم مندرج در رساله‌ی نیچره است که نویسنده کتاب با عنوان پیش‌بینی‌های سیاسی آورده است:

تقی‌زاده موجزتر از مقاله‌ی اولی است و بیشتر معطوف به فعالیت‌های سیاسی سیدجمال است. در مورد اقامت‌سید جمال‌الدین در اسلامبول مطالبی از صفات الله نقل شده که در مورد تشکیل کنگره اسلامی، یاران سید در اسلامبول، دعوت مسلمانان به اتحاد اسلام، دستگیری آزادیخواهان ایرانی و کوشش در رهایی آنها، ملاقات میرزا رضای کرمانی با سید و مأموریت میرزا رضا در ایران است. بخش دیگر در مورد اقامت سید جمال در مصر به روایت شیخ محمد مجتهد محلاتی در کتاب «گفتار خوش یارقلی» است که درباره‌ی تأسیس محفل وطنی مصر، سخنرانی سید در این انجمن و تأثیر انجمن بر کاهش نفوذ انگلیسی‌ها در مصر و نگرانی‌های آنان در این زمینه است.

بخشی نیز در مورد شرح احوال و آثار سید در لایلای روزنامه‌های هند است که به دستور ظل‌السلطان قاجار به فارسی ترجمه شده و عیناً در کتاب آمده است که بیشتر در مورد فعالیت‌های سیاسی سید از جمله نقش سید در شورش سودان، دخالت وی در عزل خدیو مصر و سیاست‌های دولت روسیه تزاری و انگلستان در شرق است. در کتاب همچنین روایاتی که از نزدیکان سید از جمله جواهرزاده‌ی

۱- اشاره به ظهور تمدن و پیشرفت ژاپن ۲- ایجاد تحولات مادیون که نویسنده انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را همان پیش‌بینی سید جمال دانسته و آن را از نتایج نفوذ مادیگری می‌داند.

۳- با بیان کوچک ابدال، ملاحظه هستند ۴- کوبیدن بهائیان برخلاف آنچه که خود بهائیان، سید را گاهی بهایی و گاهی ازلی معرفی کرده‌اند.

«نویسنده بزرگ سیاسی، از عناوین دیگر کتاب است که به انتشار و تأثیر روزنامه العروه‌الوثقی اشاره دارد که نویسنده علت آن را در ایمان پاک و هدف مدیر مسئولش سید جمال دانسته است» در این بخش همچنین به انقلاب سودان به رهبری مهدی سودانی و مقالات سید در این مورد و دعوت دولت انگلستان از سید برای فرونشاندن سودانی و حتی پیشنهاد پادشاهی سودان به وی اشاره می‌کند که به دلیل فشارهای زیاد سید ناچار روزنامه را تعطیل می‌کند.

در بخش «دو فیلسوف شرق و غرب» به بحث‌های فلسفی مابین سید جمال و «ارنست رنان» درباره‌ی «علم و اسلام و حقیقت قرآن» می‌پردازد. آنچه در این قسمت آمده در واقع نظرات سید جمال و ارست رنان و همچنین تفکرها و مقاله‌هایی در این مورد است که نویسنده کتاب آنها را یکی پس از دیگری آورده است. در ابتدا مقدمه‌ی دکتر حیدرآبادی درباره‌ی اندیشه‌های رنان، پس از آن انتقاد استاد ماسینیون و دلایل وی در مورد جعلی بودن نامه‌ی رنان آمده و به دنبال آن عیناً جواب سید جمال‌الدین به رنان ذکر شده است.

سید جمال‌الدین اگر چه بین دینات اسلامی و دانش مانعی نمی‌بیند ولی به اعتقاد وی بین دین و فلسفه سختی وجود ندارد و به تعبیر خود سید جمال «دین به اشخاص توانایی می‌دهد که به آنچه ایمان دارند اعتقاد داشته باشند اما فلسفه می‌خواهد شخص را از این بندگی و رقیبت بیرون آورد». (ص ۱۰۶) به نظر سید جمال جنگ و جدال بین دین و فلسفه همچنان خواهد بود و هراس سید جمال از آن است که نتیجه‌ی آن پیروزی حکومت عقلی باشد.

در آخر این بخش به شاگردان سید و آثار آنها درباره‌ی سازگاری دینات اسلامی با دانش و عقل اشاره‌ی گذرایی می‌شود.

«در عراق عرب» از عناوین دیگر کتاب است که روایت دیدارهای افرادی چون استاد علامه آقا ضیاء‌الدین عراقی، دکتر علی وردی، سید محمد سعید حبیبی و... با سید جمال‌الدین در شهرهای عراق است. پس از آن به آخرین اقامت سید در استانبول به دعوت سلطان عبدالحمید و پیمان سید با خلیفه الخلفایی وی می‌پردازد و با مرگ سید خاتمه می‌یابد.

نویسنده کتاب به مقایسه‌ای بین آراء سید جمال و سید احمدخان هندی در تفسیر قرآن دست زده است. سید احمد خان معتقد بوده که مسلمانان از لحاظ فکری باید مانند غربیان شوند و به عقاید غربی روی آورند و بر همین اساس نیز دانشگاه علیگره را در هند تأسیس کرد ولی سید جمال با وی موافق نبوده و او را از عوامل الحاد و بیگانه شناخته است.

نویسنده در این مقاله افسوس می‌خورد که اگر این دو دانشمند به هم بدبین نمی‌شدند می‌توانستند که از جمع عقاید خود برای جامعه‌ی اسلامی سودمندتر باشند. در این بخش مقاله‌ای تحت عنوان «تفسیر مفسر» از سیدجمال آمده که در واقع رده‌ای بر تفسیر سید احمدخان بود.

نویسنده همچنین مقایسه‌ای بین ابن‌خلدون و سید جمال کرده است. او ابن‌خلدون را همچون کانت دانسته و سید جمال را همچون ابن‌خلدون، هر دو در علوم اسلامی تلمذ کردند، به امور سیاسی پرداخته و در راه بیداری مسلمانان کوشش نمودند و به نظر وی هر دو بین اصول درست اسلامی و پایه‌های علم

اجتماعی وفق دادند تا بدین وسیله به اصلاح احوال اجتماعی بپردازند و در آخر نیز مختصری در احوال هر کدام سخن گفته است.

بخش دوم نیز بدین ترتیب به پایان می‌رسد البته بدون هیچ‌گونه نتیجه‌گیری و یا ارتباط موضوعی که در جای خود بدان اشاره خواهیم کرد. با اتمام این بخش نوبت به بخش پایانی یعنی نوشته‌های خود سید جمال می‌رسد که بویژه در پایان کتاب به چشم می‌خورد. در این قسمت نگاهی اجمالی به نوشته‌های سید جمال و عقاید او خواهیم افکند.

«احزاب سیاسی شرق» عنوان یکی از مقاله‌های سید جمال است در مورد ضرورت تشکیل احزاب سیاسی در مشرق زمین که منجر به ارتقای ملت‌های اسلامی است. وی نگرانی خود را از اینکه رو همین احزاب دچار انحراف شوند و دردی به دردهای جامعه بیفزایند، ابراز می‌کند ولی به هر تقدیر تشکیل همین احزاب را تنها راه رهایی از زیر فشار ظلم و استبداد می‌داند.

در «مسئله‌ی شرق» بسیار مختصر و گذرا به آشفته‌گی‌های ملل مسلمان اشاره کرده و درمان آنها را در وحدت کلمه و اتحاد که تر معروف وی است،

## سید جمال از یک طرف رجعت به اسلام

### و دستورات اسلامی

مانند پرهیز از دروغ و اجرای عهد و عدالت و آزادی را

نوصیه می‌کند

و از طرف دیگر به قوانین جدید بشری

از جمله حکومت مشروطیت دعوت می‌کند



مسلمانان که در سایه‌ی اسلام به عظمت رسیده بودند

بر اثر ظهور «باطنیه» که اساس تعلیمات خود را

بر تشکیک مسلمانان در عقاید خود نهادند

و همه‌ی تکالیف را از مسلمانان ساقط کردند

و درهای حیوانیت را به روی مردم گشودند

دچار انحطاط شدند



## نویسنده‌ی کتاب،

مقالات سید جمال را بدون هیچ‌گونه تحلیلی آورده است؛

حداقل کاری که باید انجام می‌شد

تقسیم‌بندی اندیشه‌های وی

و مراحل تکوین هر یک از آنها بود

می‌داند. همچنین در مورد مفهوم وطن، حکومت فردی و حکومت دموکراسی سخن گفته است. به اعتقاد سید جمال، استقلال دنیای غرب به واسطه‌ی امتیازات ملی بوده است و هر ملتی به تناسب دانایی و شعور خود به برابری و حکومت دموکراسی دست خواهد یافت و تا زمانی که ملت در نادانی و جهالت باشد حکومت فردی تداوم خواهد یافت.

این بخش در واقع اندیشه‌های سیاسی سید و متأثر از اندیشه‌های سیاسی غرب است و آن را یکی از راهکارها برای جوامع اسلامی دانسته که خود را به پیشرفت و تعالی برسانند.

بخش بعدی اندیشه‌های وی متأثر از اندیشه‌های اسلامی است و مختص به جهان اسلام و در مواردی به برتری اندیشه‌ها و مذهب اسلامی پرداخته است. به عنوان مثال تحت عنوان «تعصب ملی و مذهبی» سید ابتدا به اختلاف دو مذهب مسیحیت و اسلام اشاره کرده که مسیحیت بر پایه‌ی صلح و دوستی است ولی با همه‌ی این احوال پیروان آن به کشورگشایی و ساختن ابزار جنگی پرداخته‌اند ولی دین اسلام که اساس آن بر تحصیل اقتدار و شوکت است از این

مهم سرباز زده‌اند. سید جمال بر این نظر است که مسلمانان باید از نظر فنون جنگی، اختراعات و علوم طبیعی و... بر ملت‌های دیگر برتری داشته باشند و باید که خرافات از دین جدا گردد تا بار دیگر بتوانند حقوق پامال شده خود را به دست آورند.

همچنین در مقاله‌ی «قضا و قدر» عقیده سید در مورد تشکیلات دولتی و حکومتی که متکی بر دو قدرت ملی و قدرت ایمان است، آمده است. سید مهم‌ترین عامل انقراض و شکست نهضت‌های اسلامی را در غفلت و ناآگاهی آنان دانسته که دستورات اسلامی را به کار نبردند و چون خلفای اسلامی فاقد نیروی ملی و قدرت دینی شده بودند، دچار انحطاط گشته و محکوم به شکست گردیدند. در واقع کسی به جز خودشان چنین ظمی را در حششان روا نداشته بود. و همچنین باید کسانی که صلاحیت اداره‌ی حکومت را ندارند از دخالت در کارها منع شوند تا آنکه کشورهای اسلامی به دست بیگانگان سقوط نکند.

بخش دیگر نیز عقاید سید جمال درباره‌ی تز معروف وی «اتحاد اسلام» است. که مسلمانان باید تعصبات خشک خود از جمله تعصبات نژادی را کنار گذاشته و فقط تعصب دینی باید حفظ شود زیرا بهترین رابطه را رابطه دینی دانسته است و قدرت اسلامی هم ناشی از تعصبات اعتقادی است. با این حال سید کشورهای اسلامی را به حفظ منافع ملی خود با همسایگانی که ادیان مختلف دارند، توصیه می‌کرد زیرا که مصالح آنها درهم گره خورده است.

این بخش از عقاید سید که بیشتر بر محوریت اسلام است با بخش قبلی که قبول عقاید غربی است تا حد زیادی به هم پیوند خورده است و چنانکه قبلاً هم اشاره کردیم تمایز سید جمال با بسیاری از روشنفکران زمان خود در نگرش واقع‌بینانه‌تر نسبت به غرب است.

وی از یک طرف رجعت به اسلام و دستورات اسلامی را پیشنهاد می‌کند چنانکه مثلاً پرهیز از دروغ و اجرای عهد و عنایت و آزادی را توصیه می‌کند و از طرف دیگر به قوانین جدید بشری از جمله حکومت مشروطیت دعوت می‌کند. مثلاً در قسمت «مصر و مصریان» آنها را به مشروطیت و حکومت دموکراسی دعوت می‌نماید.

این عقاید را می‌توان در لابلای نوشته‌های سید جمال به دست آورد و در آخر نیز به یک نتیجه‌گیری اقدام کرد. اما متأسفانه نویسندگان این کتاب به چنین کاری دست نزده است و عقاید سید جمال را به صورت ماده خام و بدون هیچ‌گونه تحلیلی آورده است.

در بخش پایانی کتاب نیز مهم‌ترین رساله‌ی سید جمال تحت عنوان «رساله‌ای درباره‌ی حقیقت مذهب نیچری و بیان حال نیچریان» آمده است که در اینجا نگاهی کوتاه به آن خواهیم انداخت.

سید جمال ابتدا به تعریف نیچر می‌پردازد. به اعتقاد وی «نیچر عبارت است از طبیعت و طریقه نیچریه به همان طریقه دهریه است که در قرن رابع و ثالث قبل از میلاد مسیح، در یونانستان ظهور نموده بودند و مقصود اصلی این طایفه نیچریه رفع ادیان و تأسیس اساس اباحت و اشتراک است.» (ص ۵۲۶)

به نظر سید جمال در مقابل این عقیده، عقیده‌ی دینی است که مبتنی است بر اینکه انسان برای کسب فضایل و کمالات آفریده شده و به جهان دیگر بازگشت خواهد کرد و سه خصیصه‌ی اصلی ادیان حیا، امانت و راستی است و طبیعیون همت خود را بر این قرار داده‌اند که این خصایص را از جوامع دور کنند تا به تعبیر سید جمال «درهای حیوانیت را به روی انسانها» بکشایند (ص ۵۴۲) و ملتی که خواسته و ناخواسته به این گروه پیوست به



## آنچه سید جمال را از سایر روشنفکران عصر خود متمایز می‌کند، موضعگیری عالمانه تروی نسبت به غرب است که یکسره تمدن غربی را محکوم و یا قبول نمی‌کند بلکه تقلید معقول و درست از تمدن غربی را به عنوان راهی برای رهایی از یوغ غرب می‌پذیرد



### مطالعه احوال و افکار سید جمال سیر تحول فکری اندیشمندان اسلامی و مواجهه‌ی آنان را با جوامع غیرمسلمان نشان می‌دهد

انحطاط و رقالت دچار خواهد گشت و به دنبال آن سرگذشت جوامعی را شرح می‌دهد که بعد از تعلیمات نیچری‌ها به ذلت افتادند. در ابتدا یونانیان بودند که به علت تعلیمات کلیین، شرف نفس و شجاعت در محبت به‌هم نوع، جای خود را به رقالت، خیانت، ترس و منافع شخصی داد و بدین ترتیب سلطنت و عزت آنها از بین رفت و رومی‌ها بر آنها چیره شدند.

سپس اشاره‌ای دارد به عظمت ایرانیان که در سایه‌ی امانت و صداقت آنها ظاهر گشته بود و به واسطه‌ی تعلیمات مزدکی رو به سستی نهاد و نتوانستند در برابر حمله‌ی عرب مقاومت کنند و شکست خوردند.

مسلمانان که در سایه‌ی اسلام به عظمت رسیده بودند بر اثر ظهور «باطنی» که اساس تعلیمات خود را بر تشکیک مسلمانان در عقاید خود نهادند و همه‌ی تکالیف را از مسلمانان ساقط کردند و درهای حیوانیت را به روی مردم گشودند دچار انحطاط شدند و بدین ترتیب ممالیک توانستند بر اراضی شام مسلط گردند و همچنین مغولان نیز بر بلاد دیگر اسلامی مسلط گشتند. همچنین به خطر ظهور بایبه و عقاید ولتر و روسو که تخم اباحت و اشتراک را کاشتند اشاره می‌کند. به نظر وی عقاید ولتر و روسو باعث فساد اخلاق و اختلاف ملت فرانسه و در نهایت تسلط جرمن‌ها شد. بعد از آن به خطرات سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و نیهیلیست‌ها که به تعبیر وی اجتماعین، اشتراکین و عدمین بودند اشاره می‌کند که همه‌ی امتیازات بشری را برانداخته و همچون مزدک همه را در همه شریک می‌سازد و از طریق القای افکار خود به اذهان بجه‌ها در مناس اشاعه می‌یابند و بدین ترتیب تعداد آنها در جهان گسترش می‌یابد و موجب انقراض بشریت خواهد گشت.

و کتاب با «رساله نیچریه» به پایان می‌رسد.

ارزیابی کتاب

۱- اگر بپذیریم که اندیشمندان محصول و سخنگوی آگاه جامعه‌ای‌اند

که به آن تعلق دارند، پس یکی از اصول مهم برای بررسی اندیشه‌های یک متفکر، شناخت جامعه‌ای است که در آن رشد می‌کند و در واقع محیطی است که اندیشه‌های آن شکل می‌گیرد. از آنجا که کتاب داعیه‌ی بررسی اندیشه‌های سید جمال را داشته پس ضروری‌ترین کار نیز مطالعه‌ی جامعه‌ی آن روز و چالش‌های فراروی اندیشمندان آن روزگار بوده است که متأسفانه نویسنده این مهم را انجام نداده است.

از سوی دیگر بررسی اندیشه‌های یک متفکر به معنای بازشناسی و سپس نقد و ارزیابی آن اندیشه‌ها بوده است نه آوردن مقالات و نوشته‌های روشنفکر به قلم خود او.

نویسنده‌ی کتاب، مقالات سید جمال را بدون هیچ‌گونه تحلیلی آورده است؛ حداقل کاری که باید انجام می‌شد تقسیم‌بندی اندیشه‌های وی و مراحل تکوین هر یک از آنها بود و در آخر نیز نتیجه‌گیری از اندیشه‌های سید جمال، که البته چنین اصلی هم رعایت نشده است. چنانکه اندیشه‌های سیاسی سید جمال بدون هیچ‌گونه ارزیابی و ارتباطی به صورت مقالات پراکنده و به قلم خود سید جمال در قسمت پایانی کتاب آمده است.

۲- ذکر روایت‌های مختلف در مورد یک رویداد در قسمت‌های پراکنده کتاب بر آشفتگی کتاب می‌افزاید. حتی اگر خواننده بخواهد صرفاً بیوگرافی سید جمال را بداند دچار سردرگمی خواهد شد. نویسنده می‌بایست سلسله روایات را براساس وقایع و رویدادها تنظیم می‌نمود و آنها را در مورد یک واقعه به صورت متوالی ذکر می‌کرد.

۳- یکی از ویژگی‌های کتاب، احساسی بودن آن است که این امر مانع از آن می‌شود که نویسنده حداقل به عقاید دیگران در مورد سید جمال پاسخ دهد. وی کسانی را که مانند او نمی‌اندیشند، کوه‌نظرانی دانسته که «بر اثر نادانی و بیماریهای روانی، زبان و قلم را در بدگویی شخصیت‌های بزرگ آلوده می‌کنند، هر چه می‌خواهند بگویند و بنویسند» (ص ۱۴) و تنها توصیه‌ی او به خوانندگان آن است که «آن ورق پاره‌ها را به دور اندازند و فراموش کنند.» (ص ۱۴)

۴- قسمت عمده‌ای از کتاب آثار نویسندگانی است که در بخش‌هایی از کتاب خود به سید جمال پرداخته‌اند و عین مطالب آنها در این نوشته آمده است. با توجه به اینکه دسترسی به این کتب چندان کار دشواری نیست، هدف نویسنده از گردآوری این نوشته‌ها مشخص نیست ولی اگر فرضاً هدف وی را بررسی و ارزیابی عقاید نویسندگان دیگر بدانیم به چنین مهمی نیز دست نیافته است. وی تنها به عبارات کوتاه در پاورقی و آن هم زمانی که مطالب مذکور بر مذاق وی خوش نمی‌آمد، بسنده کرده است. به طور مثال آنچه را در مورد سید جمال به قلم اعتمادالسلطنه آمده است ذکر می‌کند و در جواب اعتمادالسلطنه به این عبارت اکتفا می‌کند «تقو بر تو ای چرخ گردون تقوا!!».

(ص ۱۴۰) و یا در خاطرات امین‌الدوله نویسنده در پاورقی می‌افزاید «چرخ بازیگر از این افسانه‌ها بسیار دارد که امین‌الدوله سید را دانشمند نمی‌داند.» (ص ۱۵۰) و یا حتی در جاهایی که نقل قول نویسندگان به نظر وی نادرست بوده است در پاورقی می‌نویسد «چنین نبود.» (ص ۱۴۶)

ش با توجه به اینکه کتاب به چاپ هفتم رسیده است بهتر آن بود که بعد از این تجدید چاپ‌ها کتابنامه و فهرست منابع به کتاب افزوده می‌شد که البته می‌توان تا حدی این کوتاهی را به ناشر مربوط دانست.